

## مصاحبه افق آمریکا با اعلیحضرت

### درمان غلط، رازی بزرگ

امیرفیض- حقوقدان

در مصاحبه ای که افق آمریکا بمناسبت سالگرد منحوس ۲۲ بهمن با اعلیحضرت و شخص دیگری ترتیب داد موضوعی بسیار با اهمیت و حساس برای اولین بار از سوی اعلیحضرت مطرح شد که انگیزه این تحریر توجه به آن است.

سوالی از سوی افق آمریکا دائر به اینکه چرا بیماری شاهنشاه از مردم پنهان نگاهداری شد، سبب گردید تا اعلیحضرت ضمن ابراز نظر خودشان، به موضوع جنبی دیگری تاکید گذاشتند و آن همان موضوع بدیع و حساسی است که تحریر حاضر را به تکلیف ورود به آن وادار ساخت.

فرمودند <دراکتبر ۷۹ میلادی یعنی سال ۵۸ در نیویورک از بیماری پدرم مطلع شدم که در آن وقت میزان گسترش بیماری وسیع شده بود؛ مشکل بیماری از سال ۱۹۷۳ میلادی بوجود آمده بود. تجویز داروهای غلط و تشخیص و درمان غلط کرده بودند>

اولین باری است که مسئله تشخیص و درمان غلط بیماری شاهنشاه مطرح شده است؛ آنهم از سوی اعلیحضرت که بیش از همه واجد صلاحیت در این مورد میباشند.

البته اعلیحضرت در همین مصاحبه فرموده اند که من پزشک نیستم. ولی اعلام آن در رسانه ای مانند صدای آمریکا نشانگر آن است که اطلاعات مزبور، از ناحیه و مراجعی بتحویل ایشان رسیده است، نه اینکه نظرو برداشت خودشان را ارائه فرموده باشند، زیرا انسانی که در آن حد، مسلط بر معناست که در کار پزشکی بمناسبت عدم تخصص دخالت نکند بطور حتم همان تسلط بر معنا مجاز نمیسازد که چنین خبر بسیار مهمی را اعلام بفرمایند؛ اگر از مراجع صاحب صلاحیت به آن نرسیده باشند.

فاصله زمانی از درگذشت شاهنشاه تا به امروز، خود دلیل دیگری بر اصالت گواهی ایشان است چرا که فاصله مزبور نشان میدهد پس از اطمینان از مراتب و کم و کیف اشتباه و داروهای عوضی آنرا اعلام عام فرموده اند.

اعلیحضرت در اشاره ای کوتاه فرمودند: <البته در آن زمان علم پزشکی مانند امروز پیشرفت نداشت> ولی فراموش نشود که بهترین امکانات و پیشرفته ترین تخصصات پزشکی در اختیار شاهنشاه ایران بود و مهمتر اینکه داروی عوضی دادن یک چیز است و امکانات پیشرفته پزشکی چیز دیگری است.

مقصود این است که بطور حتم اطلاعات رسیده به ایشان در حدی به رسوب حقیقت نزدیک بوده که بر وقوع آن گواهی داده اند یعنی درست شرائط یک گواهی اصیل را رعایت فرموده اند.

## واما بعد

مبنا وماخذ گواهی اعلیحضرت چیست وجریان مفصل آن کدام است؟ آیا مردم ایران که رهین اقدامات شاهنشاه ایران هستند نباید بدانند که چه تشخیص نادرست وچه درمان عوضی سبب شده که شاهنشاه در سن ۶۱ سالگی فوت کنند و عامل تشخیص غلط ودرمان اشتباهی چه کسی بوده و آن شخص به کدام سیاست خارجی ویا فرقه مذهبی و حزبی وابستگی داشته است؟

آیا برای میهن پرستان و تاریخ نگاران ایرانی مسئله ای مهم تراز مسئله مزبور وجود دارد؟ هرگز و ابداء. یک فرد عادی فوت میکند بدون کالبد شکافی ویا اظهار نظر متخصص پزشکی اجازه دفن داده نمیشود. چگونه بوده است که امروز، حقایقی معلوم شده که درگذشت شاهنشاه مخفی مانده است؟

درکمال تاسف مردم ایران ناظر بودند که وصیت سیاسی شاهنشاه ایران، پنهان ویک کاغذ جعلی بنام وصیت نامه شاه ارائه شد؛ (دلیل قاطع وگواهی کسیکه متن آن وصیت قلابی بنام آخرین «اراده» سخنان شاه را نوشته در آرشیو سنگرها موجود است که در فرصت مناسبی فتوکپی آن ارائه خواهد شد)

آیا درگذشت شاهنشاه هم باید برود بغل دست وصیت سیاسی شاه؟ آخرتاریخ به این کوتاهی وخیانت به آرمان های پدر و حقوق ملت در آگاهی کامل از وصیت سیاسی و کیفیت مداوای عوضی و تشخیص نادرست بیماری شاه که سبب درگذشت زود هنگام شاه شده چه خواهد گفت؟ آیا این یک حق ملی نبوده و نیست که بعد از ۳۵ سال برمبنای <حقیقت هیچگاه زیر ابر نمیماند> گوشه ای از آن شاید هم از باب بی احتیاطی آشکار شده است؟

تاریخ و مورخین که نمیتوانند این اعتراف وگواهی اعلیحضرت را نادیده بگیرند، لاجرم چه قضاوتی به آن وصله خواهند کرد که ننگ پاک نشدنی در تاریخ سلطنت ۲۵۰۰ ساله ایران پایدار خواهد ساخت.

رسیدگی به این موضوع دردناک با علیاحضرت و اعلیحضرت است؛ انسان بایک گربه مانوس خود هم این چنین بی اعتنائی نسبت به مرگش نمیکند.

کارشناسان فرانسوی در خصوص مرگ یاسر عرفات در اوائل سال ۲۰۱۳ اعلام کردند؛ احتمال مسمومیت عرفات در سن ۷۳ سالگی در بیمارستان نظامی پاریس بعید است.

همسریاسر عرفات به اعتبار همین کلمه (بعید است) به دادگاه فرانسه شکایت کرد و دنبال همان شکایت تصمیم به تحقیقات پزشکی وسیع برای شناخت علت مرگ سیاسی عرفات گرفته شد.

در همان سالهایی که خبر درگذشت شاهنشاه منتشر شد احتمال فراهم کردن مرگ زود رس شاه مطرح بود سنگرم نوشت شاهنشاه در همین اواخر اسکی روی آب (منو= اسکی یک پا) درسد کرج میگردند، اسب سواری داشتند، آنهم مرتب، چگونه ممکن است به این سرعت از پا در آیند؟ یادم هست نشریه پرتو ایران که بوسیله شادروان بشیری مدیریت میشد یک فعالیت جمعی را شروع کرده بود که درباره چگونگی بیماری شاهنشاه و درگذشتش، بررسی شود وبعد از درگذشت بشیری سنگربه پرتو ایران نوشت و اظهار امیدواری به ادامه آن تحقیق کرد و آماده یاری هم شد.

## مرگ زود رس شاهنشاه

مسئله مرگ زود رس شاهنشاه چیز کوچکی نبود که یک فرد عادی جرات اعلام آنرا داشته باشد، زیرا فرض این بود که یک فرد عادی نه صلاحیت علمی و پزشکی دارد و نه صلاحیت نسبی، درحالیکه این واقعیت شوم وجود داشته ولی آنها که صلاحیت نسبی داشته اند صلاحیت خودشان را به پای مصلحت تحمیلی عوض کرده اند.

تمام محققین شورش ۵۷ عقیده دارند که داروهای مصرفی شاهنشاه، سبب تضعیف اراده و تصمیم گیری ایشان نسبت به وقایع آن روزها بوده است. آیا دور از احتیاط است که گفته شود داروهای عوضی و تشخیص نادرست و سائلی بوده است تا اراده و تصمیم گیری شاهنشاه را مختل کند.

آیا برای کسانی که برنامه زدن شاهنشاه ایران را داشتند (آمریکا و انگلیس) بهترین راه همین تجویز داروهای عوضی و تشخیص نادرست و ایجاد بیماری های خاص برای شاهنشاه نبوده است؟ تا بی ارادگی و ضعف را بر شاهنشاه مستولی سازند.

آقای علم دریاداداشتهای روزانه اش آورده است:

دوشنبه ۱۸ شهریور ۱۹۷۴

شرفیابی طولانی تر از معمول .... گفتگو بیشتر در باره سلامت شاه دور میزد او از طحالش شکایت داشت که هنوز متورم بود و همینطور از حساسیت پوست و پیشنهاد کرد که پرفسور ژان برنارد برای یک مشورت به تهران بیاید. اصلا نمیتوانستم بفهمم چه شده منتهای سعی ام را کردم که نگرانی ام را پنهان کنم و به او اطمینان دادم که حتما چیز مهمی نیست گفتم > اما باید یک نکته را به اعلیحضرت تاکید کنم. خرداد گذشته که برای چک آپ خودم به پاریس رفته بودم، ژان برنارد به طور خصوصی بمن گفت که در مورد وضعیت جسمانی اعلیحضرت ندانمکاری می شود دکترا یادی یزشک مخصوص شاه، چاقوی جراحی را با بیلچه باغبانی تشخیص نمیدهد .....

(صفحه ۶۱۶ جلد دوم)

علم در بخش دیگری از همان جلد کتاب نوشته است > دکترا یادی برای اینکه شاه بیماری واقعی اش را نداند تصمیم گرفته شد که قرصهایش را در شیشه دیگری گذاشته شود. (همان ماخذ ۷۶۵)

## باسخ چرا بیماری شاه اعلام نشد

یکی از سوالات افق آمریکا از اعلیحضرت این بود که چرا بیماری شاهنشاه اعلام نشد و اگر اعلام میشد شاید مشکلاتی مانند گروگان گیری بوجود نمیآمد، و برخی هم عقیده داشتند که ممکن بود از خصومت مذهبیان بکاهد.

پاسخ درست و متناسب این است - معمولا کسانی که به بیماریهای طبیعی مبتلا هستند به آگاهی عامه رسیده میشوند تا مردم دعا کنند و همدردی عمومی از نظر روانی به سلامتی بیمار کمک نماید.

ولی در هیچ زمانی کسانی که مرگ زود رس را برای دیگران فراهم میکنند یعنی همین عملی که با شاهنشاه ایران انجام شد بیماری بیمار را اعلام نمیکنند، چراکه ممکن است با دخالت مردم و اشخاص بصیر و متخصص، تشخیص داده شود که داروها عوضی و تشخیص نادرست است سبب بیماری بیمار شده است و این امر با برنامه تضعیف و از پا در آوردن شاهنشاه ایران مغایرت داشت، همانطور که عمل پریشان ساختن شاهنشاه با دارو های عوضی محرمانه صورت میگرفت، بیماری شاه هم باید مخفی نگهداری میشد تا نقشه های ترسیم شده کاملاً اجرا شود.

## شهود قضیه

- ۱- آقای رابرت آرمانو رئیس امور شاهنشاه در تبعید از قول راکفلر نقل کرده است که راکفلر گفته: < حال شاه خوب نیست دارند شاه را میکشند >
- ۲- خانم دکتر لوسا پیرنیا دکتر خانوادگی شاهنشاه شهادت داده که دونفر طبیب اعزامی از فرانسه معالجه نادرست از شاهنشاه میکنند و علیاحضرت مانع دخالت دکترهای آمریکایی شده اند.

استناد به شهادت شهود از این جهت است که نشان داده شود اعلامی را که اعلیحضرت فرموده اند سابقه داشته است منتها از بعد از درگذشت شاه به کتمان آن توجه شد.

## ارتباط نفت با بیماری! شاه

چند فقره اسنادی که اکنون ملاحظه میفرمائید از جلد دوم کتاب آقای علم و همزمان با اوائل بیماری شاهنشاه و در کنار یاد داشتهانی است که دکترایادی داروهای شاه رادرشیشه های مالاریا (عوضی) میگذاشت و غرض از ارائه این اسناد این است که:

قبول کنیم مسئله نفت و شاه که زیربنا و علت العلل شورش ۵۷ و بقیه قضایاست در همان سالهای قبل از بیمار سازی شاه وجود داشته است و این اسناد، گوشه هایی از ارتباط بین نفت و مرگ زود رس شاهنشاه ایران را گواهی میدهد.

## نفت و مرگ زود رس شاهنشاه

### سند اول

شرفیابی - گزارشی از یک منبع بسیار موثق تقدیم کردم. ظاهراً رئیس جمهور آمریکا اخیراً جلسه ای را با حضور کسینجر، ناظری از سوی دولت فرانسه و وزرای خارجه انگلیس و آلمان و ژاپن در کمپ دیوید برگزار کرده است. ما به چیزی دسترسی پیدا کرده ایم که میشود گفت یادداشتهای جلسه است. این یادداشتهای راجع به اوضاع بین المللی در ارتباط با نفت است و نشان میدهد که امکانات مختلف مورد بحث قرار گرفته است از جمله اشغال مسلمانان لیبی و الجزایر..... وزیر خارجه ژاپن خواست بر کلیه تولید کنندگان نفت از جمله ایران فشار وارد آید.....

**سند دوم**

ملک خالد درنامه ای به شاه بتاریخ ۲ اوت ۱۹۷۵ اظهارداشت که عربستان سعودی مخالف هرگونه افزایش بهای بیشترنفت دراجلاس قریب الوقوع اوپک ۲۴ سپتامبردروین است ..... ونوشت درچنین شرائط افزایش بهای نفت ازلحاظ سیاسی بیموقع است واحتمالا سبب واکنش نامساعدی خواهد شد.

شاه درپاسخ اظهارداشت که بهای نفت باید بابهای انرژی غیرنفتی تناسب داشته باشد ویاد آوری کرد که کشورهای صنعتی درطول سال ۷۴ بهای صادراتشان را ۲۵ درصد افزایش داده اند.

شاه خطاب به علم گفت: >این آمریکائیهای لعنتی خیال میکنندمیتوانند بااستثمارسعودیها واتکاء به منابع نفتی عظیم آنها حرف خودشان رابه کرسی بنشانند.<

**حاشیه=** این سند رازبین اسناد بسیارانتخاب کردم که درست قابل تطبیق با اقدامات کنونی عربستان در پائین نگهداشتن قیمت نفت دراوپک است تازمینه برای یک قضاوت توام با افسوس مهیا شود (پایان)

**سند دیگر**

..... نامه ای ازطرف فورد وکسینجربرای شاه بمن داده شدکه نگرانم کرد حدسم درست بود آمریکائیها از آخرین افزایش بهای نفت عصبانی هستند حتی حاضرند موافقتنامه دوجانبه ای را که ما امضا کرده ایم را زیرپا بگذارند ..... تنش بین ما وواشنگتن بویژه درچنین موقعی که همکاری مفرط با عربها شهرت ما را نزد وسائل ارتباط جمعی آمریکا تیره ساخته قابل تاسف است.

**سند دیگر**

دررابط با مسئله نفت وافزایش بهای نفت بوسیله ایران سه التیماتوم ازطرف فورد ونیکسون به شاهنشاه ایران داده شد که متن آنها درجزوه (پیروزی تاریخی ازانتشارات سنگر) بوسیله جاوید ایران با تشکر درردیف تحریرات آمده است)<sup>۱</sup>

عباراتی ازالتیماتوم فورد به اینجا آورده میشود تا استفاده ازاسناد ارائه شده بسهولت ممکن گردد:

- \* - آسیب پذیری ونامساوی بهبود اقتصادی جهان، مستلزم این است که ملتهای مسئول از اقداماتی که آنها به خطر میاندازد احتراز کنند (مقصود بالابردن بهای نفت بوسیله شاهنشاه ایران است)
  - \* - ترس من این است که سال آینده بخشهای افکار عمومی مردم آمریکافشاربیشتری وارد آورند.
  - \* - حمایت ایران از تصمیم اوپک به افزایش بهای نفت در این زمانه بهانه رابد ست کسانی خواهد داد که روابط مارا مورد حمله قرار خواهند داد. با توجه به این وضعیت تصور میکنم نتیجه اجلاس دسامبر اوپک عواقب گسترده اقتصادی وسیاسی دربرداشته باشد. بنابراین از اعلیحضرت تقاضا میکنم هنگام تصمیم گیری در این باره، این نگرانی هارامورد توجه جدی ومثبت خود قرار دهید
- (۲۹ابان ۱۳۵۵)**

مفهوم التیماتوم فورد خارج از ادبیات دیپلماسی این دو کلمه است.

> هنگام تصمیم گیری در اوپک برای افزایش بهای نفت به فکر سرنوشت سلطنت و آینده کشورتان باشید <

### دوتا قرص برای رفع نگرانی

چه چیزی میتواند نگرانی آمریکا و کشورهای صنعتی را از اراده شاه ایران در حفظ منافع ملی ایرانیان که با تجدید نظر در موقعیت نفت و قیمت آن ایجاد شده بود رفع و آنرا تسکین ابدی بدهد و زمینه را برای فراهم کردن شورش ۵۷ کاملاً مهیا سازد، به جز چند قرص مخصوص برای سلب اراده و ایجاد ناتوانی فکری و ایجاد بیماری و یا تشخیص غلط بیماری؟

### سابقه قرصهای عوضی

در سال ۲۰۰۴ شارون طرح تروریسم عرفات را به بوش ارائه داد؛ بوش گفت اجازه بدهید خدا جان عرفات را بگیرد شارون گفت عرفات آنقدر جان سخت است که ما باید در گرفتن جان عرفات خدارا کمک کنیم. (راز عملیات ۲۱۰ پیرمرد را بکشید)

رافی ایتان مسئول بخش ویژه موساد ماموریت از بین بردن عرفات را عهده دار شد و با کمک چند تن از مسئولان تولیدات مواد پلوتونیوم نیروگاه اتمی دیمونا قرصهایی مشابه قرصهای آرام بخش تهیه کرد و در اختیار عوامل موساد و شاباک در مقرتشکیلات خود گردان فلسطین قرارداد. از آنجایی که عرفات روزانه چند قرص آرام بخش حاوی ویتامین مصرف میکرد لذا قرصها کار خود را ساخت.

(همان ماخذ)

تطبيق بفرمائید و نتیجه گیری با خود شما.



ناچارم دو مطلب به این پژوهش ژرف و پر از معنا اضافه کنم.

- ۱- گزارش شفاهی سرهنگ سخاوت در باره اتاق کار شاهنشاه
  - ۲- گزارش شفاهی پزشکی متخصص در باره شیوه بکارگیری جراحی شاهنشاه.
- \* سرهنگ سخاوت، که با درجه سرگردی موفق به اختراع دستگاهی بنام «دکتور اتمی» شده بود و پس از آنکه آن دستگاه بنام ایشان و ایران در نزدیک به ۴۵ کشور جهان ثبت اختراع شد در سال ۱۹۷۲-۱۹۷۳ به ایران رفت و برای نمایش دستگاه خود شرفیاف شد.

دستگاه کوچکی بود که می توانست رادیو اکتیوی که در بدن انسان ها موجود است را از فاصله های دور حتا پشت دیوار و سیمان و بتون تشخیص بدهد. این دستگاه به منظور رد یاب انسان ها پس از زلزله و یا ریزش معدن بکار گرفته می شود. فکر ساخت دستگاه پس از یکی از زلزله های ایران به فکر سرگرد سخاوت رسیده بود.

سرگرد آنروز، تعریف میکرد وقتی پیش از ورود شاهنشاه مرا به اتاق کار ایشان راهنمایی کردند، برای تنظیم و برپا کردن دستگاه دچار دردسر شدم و هرکار میکردم دستگاه بدون دلیل میزان رادیو اکتیو زیادی را نشان میداد و مانع از تنظیم دستگاه میشد.

ناچار شدم دستگاه را به گوشه کنار اتاق ببرم تا منبع تشعشع رادیو اکتیورا پیدا کنم. هنگامیکه به پرده های اتاق که پشت میز کار شاهنشاه قرار میگرفت رسیدم فریاد دستگاه بالا رفت.

خاطر جمع شدم و پس از مشورت با شاهنشاه مشخص شد پرده هایی که پارچه اش از فرانسه سفارش شده بوده آلوده به رادیو اکتیو است و شوربختانه سالها بود که در اتاق کار شاهنشاه آویزان بوده است.

این مسئله سرگرد سخاوت آنروز و سپس سرهنگ سخاوت ترفیع درجه شده را بسیار ناراحت میکرد ولی در مدت چند سالی که پرده ها آویزان بوده حتما صدمه واقعی را به شاهنشاه زده بود.

\* پزشکی که تخصص جراحی دارد، با خاطر جمعی تمام میگفت در عمل جراحی که پزشکان فرانسوی روی طحال شاهنشاه انجام داده بودند به عمد چاقوی جراحی را به بخشی از صفرای شاهنشاه آلوده کرده اند و یا شاید چاقوی جراحی آلوده به موادی بوده است که در درون بدن موجب عفونت غریبی که تب بسیار زیاد تولید کرده بود. وقتی پرزیدنت انور سادات و دیگر پزشکان آمریکایی موضوع را میفهمند میخواهند برای جلوگیری از پیشرفت عفونت دوباره جراحی کرده و شکم را باز کنند که پزشکان فرانسوی با تهدید مانع از اینکار میشوند. آن پزشک که نام ایشان محفوظ تاریخ است با اعتماد میگفت مسلما عفونت ناشی از چاقوی جراحی آلوده که عمدی بوده است جان شاهنشاه را گرفته است نه مورد سرطان یا هر چیز دیگری.

شوربختانه همه این موارد با پنهانکاری به بطالت گذشته است.

ح-ک